

استفاده از اسنادها و سایر داده‌های آماری در مدیریت مجموعه کتابخانه دانشگاهی^۱

کاربرد اسناد و سایر داده‌های آماری در مدیریت مجموعه کتابخانه‌ها

- نوشته: موریس ب. لاین^۲
- ترجمه: حسین پاشایی‌زاد^۳
- ویراستاری: محمدحسن زاده^۴

مقدمه:

به نظر نگارنده کتابخانه‌ای وجود ندارد که برای تأمین کلیه نیازهای مالی خود، بودجه کافی در اختیار داشته باشد، به ویژه با در نظر داشتن این واقعیت که با افزایش تعداد عناوین مجلات و کتاب‌های منتشره و نیز افزایش بیش از حد قیمت مجلات، کتابخانه‌ها بر آنند تا بیشترین استفاده را از بودجه موجود به عمل آورند. به هر حال کمتر کتابخانه‌ای است که به اشتراک برخی از مجلات خود خاتمه نداده باشد و در برخی موارد از این اصل که «ما از منابع موجود به سوی راهبرد دسترسی در حرکتیم» به طور چشمگیری عدول نکرده باشد. در عین حال از طرف استفاده‌کنندگان برای تحصیل و کسب عناوین جدید و همچنین در مورد فضا هنوز هم فشارهایی وجود دارد. از این رو کتابخانه‌ها ناگزیرند تا درباره دریافت منابع جدید و کنار گذاشتن منابع قدیمی بلااستفاده و همچنین در مورد ادامه یا قطع اشتراک مجلات خود تصمیم بگیرند.

انتخاب و کنار گذاشتن کتاب

در مقایسه با مجلات، برای انتخاب‌کننده کتاب مسایل کاملاً متفاوتی مطرح می‌شود. به جز در مورد کتاب‌های مرجع کاملاً مشخص و نیز عناوینی که در کتابخانه‌های دانشگاهی توسط اساتید دانشگاه برای دانشجویان معرفی می‌شوند (که حتی این‌ها نیز در

موریس لاین مشاور امور کتابداری و اطلاع‌رسانی و متخصص حوزه توسعه نیروی انسانی و مدیریت تغییر، در سال ۱۹۸۸ از سمت خود به عنوان مدیرکل علوم تکنولوژی و صنعت که به مدت پانزده سال عهده‌دار آن بود، بازنشسته شد. پیش از آن، وی در پنج کتابخانه دانشگاهی کار کرده بود و اکنون دانشیار دانشگاه شفیلد انگلستان و ویراستار مجله کتابداری الکساندریا ۵۵ است. وی دارای عنوان دکتری افتخاری ادبی و علوم به ترتیب از دانشگاه‌های هریوت وات و ساوت‌مپتون ۶ بوده و عضو دانشگاه پلی تکنیک بیرمنگام (در حال حاضر دانشگاه انگلستان مرکزی) و عضو مؤسسه مدیریت است. وی در سال ۱۹۹۰ رئیس انجمن کتابداری انگلستان بود و جایزه ایفلا را در همان سال کسب کرد. او بیش از ۱۵ جلد کتاب، ۵۰ گزارش تحقیقی و ۳۸۰ مقاله در زمینه‌های مختلف، از کتابسنجی گرفته تا مدیریت کتابخانه، به رشته تحریر درآورده است و ترجمه آثار وی به ۲۰ زبان مختلف منتشر شده است. آقای لاین در چارچوب فعالیت‌های حرفه‌ای و شغلی خود به بیش از ۲۰ کشور جهان سفر کرده است. برای تماس با وی می‌توان با نشانی زیر تماس حاصل کرد:

1 Blackthorn Lane, Burn Brige,
Harrogate HG3 1 NZ, UK. Fax:
+44(1432) 879849 e-mail:
mbl@hgte.demon.co.uk



استفاده قرار گیرد.

تعیین کتاب‌هایی که باید از مجموعه خارج شوند ممکن است از راه آزمایش و امتحان و بررسی آمار امانت کتاب‌های موجود کتابخانه صورت گیرد. این کار هرچند امروزه با وجود رکوردهای ماشینی خیلی آسان و عملی است ولی استناد، هیچ کاربردی برای انتخاب یا حذف کتاب‌های مجموعه ندارد اگرچه بوردیک^۶ (۱۹۸۹) معتقد است که استناد به کتاب‌هایی که برای حذف از مجموعه انتخاب شده‌اند، می‌تواند موجب تجدیدنظر مفیدی در تصمیم به کنار گذاشتن آنها شود؛ اما دامنه پراکندگی استناد به کتاب‌ها بسیار وسیع است و کتاب‌های کمی وجود دارد که بیشتر از ۱۰، ۲۰ بار مورد استفاده واقع شده باشد که اغلب آنها را نیز آثار کلاسیک تشکیل می‌دهد (Budd, ۱۹۸۶).

داده‌های استنادی خیلی دیرتر از آن در دسترس قرار می‌گیرند که بتواند برای انتخاب‌های جدید ثمربخش باشد. نزدیک‌ترین موردی که به استنادها شبیه است نقد و بررسی کتاب‌ها می‌باشد که به طور گسترده‌ای برای انتخاب در انواع مختلف کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به هر حال استنادها در واقع راهنماهایی (البته نه ناپایدار) در مورد کتاب‌هایی هستند که کتابخانه بایستی داشته باشد ولی الزاماً مورد استفاده واقعی قرار نخواهد گرفت.

اغلب موارد مورد استفاده واقع نمی‌شوند) در اغلب اوقات پیش‌بینی اینکه کدام عناوین مورد اقبال مراجعان و استفاده‌کنندگان واقع خواهند شد کار چندان ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. چندین سال پیش، پژوهشی در مورد دو کتابخانه - نه چندان قوی - در بریتانیا نشان داد که حدود ۳۰ درصد از کتاب‌های گردآوری شده، در طول دو سال پس از خرید آنها مورد استفاده قرار نگرفته بود (line, ۱۹۸۶)؛ و در یک مورد از مؤسسات این رقم ۴۷ درصد بوده است. واقعیت این است که بخش اعظم کتاب‌های ارزشمند، توسط تعداد نسبتاً انگشت‌شماری از ناشران معتبر منتشر می‌شود ولی همین ناشران نیز علاوه بر انتشار کتاب برای کتابخانه‌های خیلی غنی و توانمندی که انتشارات آنها را به صورت سفید مهر سفارش می‌دهند برای سایرین نیز کتاب منتشر می‌کنند.

تنها روش معتبر و موثق و در عین حال پرهزینه برای درک و شناخت منابعی که در آینده مورد استفاده قرار خواهند گرفت آزمایش تجربی و عملی است، یعنی خرید یک سری از کتاب‌های احتمالاً خوب و مفید، مشاهده و بررسی میزان استفاده از آنها و حذف اغلب آنها (مثلاً به مدت ۵، ۴ سال) بدون استفاده مانده‌اند. این کار مزایای زیادی خواهد داشت، زیرا برای تعداد زیادی از منابع و مواد جدید زمینه فراهم می‌شود تا در مقیاس وسیعی به امانت رفته و مورد

انتخاب و کنار گذاشتن مجلات

این مقاله عمدتاً به مجلات و کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی می‌پردازد زیرا کتابخانه‌های عمومی تعداد نسبتاً اندکی مجله دریافت می‌کنند و در اغلب موارد آنها نیز مورد استناد واقع نمی‌شوند. البته وقتی که مجلاتی به عنوان پژوهشی تعیین می‌شوند الزاماً بدین معنی نیست که آنها فقط از طرف محققان و پژوهشگران مورد استفاده قرار می‌گیرند، بلکه چه بسا دانش‌آموزان و دانشجویان نیز به دفعات به آنها رجوع کنند.

تصمیم‌گیری درباره مجلات از سه جهت قابل بررسی است: اشتراک کدام یک از مجلات جاری باید متوقف شود (عدم انتخاب مجدد)، چه مجلاتی باید تهیه شود که فعلاً تهیه نمی‌شود (انتخاب مثبت)، و کدام مجلات بایستی از مجموعه خارج شود (کنار گذاشتن). تصمیم‌گیری در مورد دو نوع اول معمولاً به وسیله اعضای هیأت علمی یا پژوهشی و با همکاری کتابداران - که میزان مسئولیت آنها از مؤسسه‌ای به مؤسسه دیگر فرق می‌کند - صورت می‌گیرد. در گذشته که مجلات کم و پول نسبتاً زیادی در دسترس بود این روش چندان بد نبود و نیاز زیادی به تصمیم‌گیری خاصی نداشت: گویی تبدیلی به صورت قانون درآمده بود. اما به مدت بیش از سه دهه روش‌های روا و پایاتری مورد بررسی واقع شد که براساس نیازهای عینی استفاده‌کنندگان استوار بود. پی بردن به این واقعیت که عناوینی که از طرف اسنادی، مهم و ضروری توصیف شده بیش از سه یا چهار بار در سال مورد استفاده واقع نمی‌شود، کار چندان دشواری نیست. سال‌ها پیش که به عنوان کتابدار دانشگاهی خدمت می‌کردم از طرف یک استاد شیمی به خاطر عدم تمديد اشتراک نشریه‌ای خاص که وی ادعا می‌کرد همیشه مورد استفاده قرار می‌داده است مورد سرزنش واقع شدم. حال آن که بعدها معلوم شد که از کتابخانه چنین عنوانی هرگز درخواست نشده بود!

برخلاف بیشتر کتابخانه‌های اروپایی، اغلب کتابخانه‌های تحقیقاتی در انگلستان و آمریکا درصد بالایی از مجموعه‌شان را به صورت آزاد در دسترس عموم قرار می‌دهند. این امر آشکارا بر ماهیت و نه حجم و میزان استفاده از نشریات تأثیر می‌گذارد. به هر حال ممکن است تعداد اندکی از کتابخانه‌ها وجود داشته باشد که شماره‌های جدید مجلات را در دسترس استفاده‌کنندگان قرار نمی‌دهند. از این رو این مقاله با فرض دسترسی آزاد نه به شماره‌های پیشین مجلات که در بسیاری از کتابخانه‌های اروپایی وجود ندارد بلکه عمدتاً به شماره‌های جاری مجلات مربوط است که در بیشتر کتابخانه‌ها وجود دارد.

تردیدی نیست که صحیح‌ترین راه و روش تصمیم‌گیری در مورد تداوم یا قطع اشتراک نشریات همانا گردآوری ارقام ریز و مفصل در مورد استفاده واقعی از منابع مجموعه با استفاده از اولین تاریخ استفاده می‌باشد (همچنین تعیین اینکه شماره‌های پیش از یک تاریخ معین کنار گذاشته می‌شود) به این دلیل که به میزان استفاده، هزینه‌ها نیز می‌بایست مشخص شود به شرط اینکه بودجه به بهترین شکل

استفاده شده باشد و همچنین به علت اینکه عناوین خاصی دارای چنان اهمیتی هستند که باید با هر هزینه و قیمتی تهیه شوند (یکی از معیارها برای تعیین نیاز قطعی به یک عنوان خاص ممکن است این باشد که توسط یک استاد ممتاز و توانا منتشر می‌شود). ارزیابی و سنجش تعداد استفاده‌ها به عنوان معیار انتخاب کار مشکلی است چرا که می‌تواند از تورق سریع آخرین شماره مجله تا مطالعه کامل یک مقاله را شامل شود.

اغلب درباره عناوینی که می‌بایست تهیه شوند تقاضاهایی وجود دارد؛ این تقاضا ممکن است به سطحی برسد (به فرض) که در مورد تهیه و دریافت آنها تصمیم‌گیری شود. ممکن است تقاضایی براساس درخواست از راه دور مورد ارزیابی قرار گیرد؛ اما بنا به دلایلی این کار یعنی سنجش و اندازه‌گیری دقیق آن غیرممکن می‌باشد. ممکن است درخواست‌های راه دور خود واسطه‌ای^۱ گزارش نشوند؛ ممکن است ارقام لازم به درخواست داده نشوند هرچند که در صورت وجود امکان داشت مورد استفاده قرار بگیرند؛ و نهایتاً اینکه تخمین استفاده احتمالی از آنها با هدف تورق به وضوح و به طور دقیق امکان ندارد. با این شروط می‌توان یک محاسبه تقریبی را با استفاده از تحلیل تقاضا از منابع راه دور بعمل آورد که شامل امانت کتابخانه‌ای و در صورت امکان استفاده از جاهای دیگر مثلاً یک کتابخانه همجوار باشد (در دانشگاه مذکور چندین شیمیدان از کتابخانه انجمن سلطنتی شیمی استفاده زیادی کردند). از نقطه نظر آرمانی می‌بایست مجموعه جامعی از داده‌ها و اطلاعات مربوط به استفاده‌ها و تقاضاها تهیه شود. با توجه به مسائل مذکور، جای شگفتی نیست که کتابداران در ابتدای کار با مجموعه‌ای از داده‌های روا و پایه به حداقل تغییرات و حدس‌های ذهنی تن داده‌اند که ممکن است در برخی موارد کارایی هم داشته باشد؛ یا نوعی سیستم انتخابی کاربر که ترجیحاً با هزینه تعیین شده برای هر عنوان اعمال می‌شود؛ یا بدون تمایل و توجه به آمارهای سنجش، داده‌های جانشین را به شکل داده‌های استنادی مورد بررسی قرار داده‌اند. باید از ISI که مقدار زیادی از این داده‌ها را هم‌اکنون قابل دسترس ساخته است تشکر و قدردانی نمود به ویژه این که فهرست رتبه‌بندی شده‌ای از عناوین را براساس میزان استناد و همچنین براساس ضریب تأثیر آنها ارائه داده است. اما مورد اخیر می‌تواند کیفیت یک عنوان را مورد ارزیابی قرار دهد بنابراین برای تعیین ارزش یک عنوان در مقابل مبلغ آن نمی‌تواند کارایی خوبی داشته باشد.

مزایا و معایب داده‌های استنادی

در ارتباط با داده‌های استنادی به عنوان جایگزین داده‌های حاصل از شمارش دفعات استفاده از یک مجله، دو مسئله وجود دارد. اولی عبارت است از اینکه، استنادهای ارائه شده به طور کلی تا چه حد بیانگر استفاده می‌باشد. ظاهراً در این مورد همپوشانی زیادی بین استفاده‌ها و استنادها وجود دارد، اما این موضوع نیز روشن است که گاهی اوقات محققان و پژوهشگران مقالاتی را مورد استناد قرار می‌دهند که هرگز نخوانده‌اند (به طور نمونه بعضی تحقیقات،

نقطه نظر انتخاب مثبت ارزشمند هستند جلب کند (line, ۱۹۷۷). در مورد کتابخانه‌های دانشگاهی دیدگاه‌های مشابهی وجود دارد. استفاده از کتابخانه در یک دانشگاه بزرگ که دارای رشته‌های زیادی است همگرایی استفاده و استنادها را کاملاً به هم نزدیک می‌سازد (Urquhart and Urquhart, ۱۹۷۶)، اما در این مورد نیز به خاطر زمینه‌های کاملاً تخصصی پژوهش در بخش‌های خاص، استثنائاتی وجود دارد. تا موقعی که این استثنائات - کم و زیاد شدن - که به صورت لیست‌های رتبه‌بندی استنادها درآورده شده‌اند، وجود دارد، اغلب پژوهشگران شخصاً لیست‌های مناسب‌تری تهیه نموده‌اند. در دانشگاه‌های کوچک‌تر مشابه همان لیست‌ها ممکن است با اجبار بیشتر استفاده شود. علاوه بر آن عناوین خوبی که توسط خود آنها انتخاب می‌شوند، مانند عناوینی که به طور مشخص درخواست نشده‌اند، به طور متوسط نامزدهای بالقوه‌ای برای تهیه شدن هستند به شرط اینکه بودجه‌ای وجود داشته باشد. از این رو کتابداران بایستی درباره آنها اطلاع کافی داشته باشند و در اینجاست که لیست‌های رتبه‌بندی استنادی تا حدودی عنوان مجله را مشخص می‌کنند چرا که ترتیب لیست‌ها از یک سال به سال دیگر فرق می‌کنند حال آنکه تعداد استنادها از عنوانی به عنوان دیگر تفاوت چندانی ندارند.

بعضی از مطالعات و تحقیقات (به عنوان نمونه ۱۹۷۶ Singleton, همبستگی زیادی را بین میزان استفاده از داده‌ها و تعداد استناد به آن‌ها نشان داده است؛ واقعیتی که دیگران نیز (۱۹۷۴ Baughman) آن را به خوبی نشان داده‌اند بدین معنی که ممکن است عناوین استناد شده به خاطر شانس یا به خاطر روابط نزدیک‌شان در بالای لیست‌های مرتب شده قرار می‌گیرد و موارد ضعیف‌تر را به انتهای لیست سوق می‌دهد. حتی کسانی که از کاربرد استنادها پشتیبانی کرده‌اند (برای نمونه Pice and Stankus, ۱۹۸۲) این نکته را اضافه کرده‌اند این کار نیازمند پردازش دقیق آن‌ها است. تقریباً در این باره در نوشته‌های اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همیشه مناظراتی بوده است (نگاه کنید به Line, ۱۹۷۷, ۱۹۷۸; Line, ۱۹۸۵a, Broadus, ۱۹۸۵). این حقیقت کمتر بیان شده است که افراد، دیگر از این موضوع خسته شده‌اند و به سوی عملی کشیده شدند که قبلاً انجام می‌دادند - عملی که احتمالاً بر پایه حدس ذهنی و توصیه‌های پژوهشگران دیگر استوار بود.

مورد بالا به استنادهایی مربوط است که در هر جایی توسط نویسندگان به کار رفته و به وسیله ISI - نه به عنوان مجموعه کاملاً جامع، بلکه در حد نزدیک به آن - ثبت شده است. استنادهایی که به وسیله استفاده‌کنندگان کتابخانه استفاده می‌شوند الزاماً باید مفیدتر باشند و همانطوری که کریبرا (۱۹۹۹) نشان داده است، استنادهای محلی یا سایر استنادهای قرینه رابطه و همبستگی خیلی خوبی برقرار می‌کنند و ممکن است از آثار منتشره استخراج شده باشند که در این صورت شاید هر دانشگاهی مجبور باشد از انتشارات خود، فایل متمرکزی تهیه کند (هرچند که تعداد اندکی از آنها تن به این کار می‌دهند). در غیر این صورت یافتن آنها تلاش زیادی می‌طلبد و می‌بایست برای تهیه لیست تمامی آثار استناد شده کلیه پژوهشگران

استنادهای گمراه‌کننده و تردیدآمیزی را نشان داده‌اند که عملاً در مقاله درج شده‌اند و افراد دیگر به طور کورکورانه و بدون مراجعه به اصل اثر در مقالات خودشان آنها را تکرار کرده‌اند. در حالت خیلی جدی‌تر، استنادها صرفاً درصد نسبتاً کمی از استفاده‌های واقعی را نمایان می‌سازند، متوسط و میانگین استنادها برای هر مقاله در حدود ۹ الی ۱۰ بار است حال اینکه میانگین مطالعه آن بین ۸۰۰ تا ۱۸۰۰ بار - با توجه به موضوع مقاله - می‌باشد (Tenopir and King, 2000).

این امر می‌تواند بحث‌انگیز باشد که استفاده‌هایی که در استنادها نیامده‌اند ممکن است از ارزش کمتری برخوردار بوده باشند، اما واقعیت این است که به هر حال استفاده از آنها صورت گرفته است و این که چرا به آنها استناد نشده است می‌توان فراموشی را علت آن دانست و یا اینکه از دیدگاه خاصی پشتیبانی نمی‌کند و حتی به این دلیل نیز می‌تواند باشد که هر بخش از پژوهش به یکی از آنها مربوط می‌شده است (Guitard, ۱۹۸۵). در حقیقت همانگونه که گرافیلدا هم تأکید می‌کند، استنادها به طور مستقیم، میزان استفاده‌های بعمل آمده را نمی‌سنجند بلکه کیفیت و اهمیت آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. با وجود این جای تعجب است که هنوز هم تفاوت (یا تشابه) بین استفاده و استناد موضوع بحث قرار می‌گیرد و حال آنکه نگارنده هرگز مقایسه‌ای مناسب بین استفاده و کاربرد مشاهده نکرده است. به طور قانع‌کننده‌ای نشان داده است که بین لیست‌های انتخابی براساس استنادها و لیست‌های مبتنی بر استفاده زیاد از کتابخانه همبستگی بالایی وجود دارد چیزی که نگارنده و اسکیلز (۱۹۷۹) درباره آن اشتباه کرده بودیم. «استفاده زیاد از کتابخانه» نمایانگر استفاده از کلیه کتابخانه‌ها در کشورهای در حال توسعه در هر میزانی است (که در داده‌های ISI خیلی بهتر از کشورهای کمتر توسعه یافته نشان داده شده‌اند و احتمالاً استفاده از آنها خیلی بهتر از مجموعه‌های مجلات می‌باشد). بنابراین می‌توان گفت که ارتباط تنگاتنگ بین استناد و استفاده، حاکی از اهمیت میزان استفاده برای مقاصد مدیریتی است. پس من از جهانی شدن این پدیده [داده‌های مربوط به استفاده] صحبت می‌کنم. دیگران نیز به خاطر سهولت گردآوری از کاربرد آنها در مدیریت مجموعه سخن به میان آورده‌اند (پان، ۱۹۷۸، برودوس، ۱۹۸۵).

به هر حال به غیر از کتابخانه‌های اختصاصی اغلب کتابخانه‌ها به مدیریت اطلاعات و داده‌ها نیازمندند اما در مورد کتابخانه‌های خاص که رقابت تنگاتنگ است این موضوع اهمیت خاصی پیدا می‌کند. یک کتابخانه تخصصی صرفاً به یک دسته از مجلات ناهمگن علاقه‌مند نخواهد بود بلکه در درون همان مجموعه ناهمگن احتمالاً گرایش‌های خاصی نیز وجود خواهد داشت. بدین ترتیب محققان و پژوهشگران عناوین مجلات هسته مورد نیاز خود را کاملاً خواهند شناخت؛ همچنین حوزه‌های اطراف را نیز از طریق استنادهایی که در مقالات دیگر مورد مطالعه قرار می‌دهند، شناسایی خواهند کرد. داده‌های استناد به غیر از آنچه که یک دسته از عناوین مناسب که در داده‌های ISI وجود دارد چیز مفیدی به آنها نخواهد گفت به جز اینکه شاید توجه آنها را به طرف عناوین ناآشنایی که احتمالاً تاکنون از

استندهای به عمل آمده، در امر انتخاب مجلات راهنما مفید تلقی شود. نگارنده شخصاً همبستگی معنی داری بین لیست‌های رتبه‌بندی (الف) استندهای انجام شده، (ب) هزینه و (ج) حجم مشاهده نکرده است. هرچند که مشاهده آن توسط دیگران می‌تواند جالب باشد).

تعداد استفاده در هر واحد هزینه در هر مجله در سال معیار و ابزار سنجش و اندازه‌گیری مطلوبی برای انتخاب‌های جاری است. در این فرمول تعداد سال‌هایی که از یک مجله استفاده می‌شود را می‌توان به ۱۲ ماه آخر محدود کرد و یا به ۵ سال گسترش داد. در این حالت می‌بایست به هزینه خرید، هزینه دیگری مثل هزینه پردازش (برای مجلاتی با دوره‌های انتشار زیاد در یک سال)، صحافی (برای مجلات چند جلدی) و نگهداری (هزینه‌های فضا) اضافه شود. ولی به طور

مورد پرس‌وجو واقع شوند هرچند که چنین اقدامی ممکن است نتیجه چندان مطلوبی نداشته باشد. در مرحله بعد الزاماً این تصور به ذهن می‌آید که استندهای مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، حال اینکه ممکن است اقلام زیادی بدون اینکه هیچ‌گونه استنادی به آنها بشود مورد استفاده قرار گرفته باشند، به ویژه استندهایی که برای اهداف آموزشی به کار می‌روند.

امتیازی که استندها دارند این است که از اکثر آنها استفاده می‌شود حال آنکه ممکن است استفاده‌های زیادی از آنها به عمل آمده باشد که در جایی قید نشود. به هر حال عمده‌ترین بحثی که علیه استفاده از استندها وجود دارد این است که بیشتر به طرف جانب‌داری از مجموعه محلی موجود گرایش یافته‌اند و از این رو بیشتر بر حفظ وضع موجود تأکید دارند. یک راه حل آرمانی این مسئله می‌تواند این باشد که جمع‌آوری و گردآوری استندها و کاربردهای به عمل آمده از مجموعه به طور قطع مفید بودن آنها را به اثبات برساند ولی این کار مثل بسیاری از راه‌های آرمانی دیگر عملی و ممکن نیست و گردآوری استندهای محلی به اندازه کافی مشکل بوده و در مورد استفاده‌ها مشکل‌تر نیز خواهد بود.

مقایسه بین استندهای محلی و استفاده از داده‌ها (برای مثال استفاده از راه دور یا استفاده در کتابخانه‌های دیگر) به ویژه زمانی مفید واقع خواهد شد که به نحوه فراهم‌آوری توجه جدی مبذول شود. در هر حال اگر بین آنها پیوند خوبی برقرار باشد استندهای به عمل آمده از داده‌های محلی می‌تواند از روایی و پایایی بیشتری برخوردار باشد. اطلاعات دیگری که در این باره می‌بایستی مورد استفاده قرار گیرند داده‌های درخواستی از راه دور هستند (شامل امانت بین کتابخانه‌ای و خدمات زیراکس)، اما همانگونه که پیش‌تر نیز ذکر شد چنین عملی برای جمع‌آوری جامع همه درخواست‌های به عمل آمده به شرط اینکه همه یا اغلب چنین تقاضاهایی از طریق کتابخانه صورت گیرد کاری بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود. در نبود جایگزین دیگری، نشریاتی که مورد استناد بیشتری قرار گرفته‌اند می‌توانند به عنوان نامزدهای بالقوه فراهم‌آوری مورد توجه قرار گیرند، و اگر فراهم شدند بایستی برای یک یا دو سال (بیشتر در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی) به صورت آزمایشی جایگزین شوند.

تحلیل داده‌ها

حال با داده‌های گردآوری شده چه باید کرد؟ البته شاید این سؤال کمی ناپخته به نظر برسد اما راه حل خوبی برای کاهش هزینه سودمندی نمی‌باشد. مجلاتی که از لحاظ رتبه‌بندی در بالاترین موقعیت قرار دارند اغلب آنها بی‌اند که بیشترین هزینه - سودمندی را دارا هستند و از طرفی گرانترین آنها نیز هستند، هرچند که پس‌من و ویلدر^{۱۱} (۱۹۹۸) این موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند که ارزش هزینه به ندرت با کیفیت جمع می‌شود زیرا مجلات با کیفیت (حداقل در آمریکا) به وسیله انجمن‌های علمی منتشر می‌شوند که به دنبال کسب سود و منفعت نمی‌باشند. بنابراین، این وضع به طور ضمنی حاکی از این است که حجم (و شاید هزینه) می‌تواند به اندازه تعداد



کلی هزینه‌های اضافی (غیر از خرید) عملاً باید به هزینه خرید اضافه شود که در ترکیب سفارش تغییر چندانی به وجود نمی‌آورد. همچنین دانستن تعداد استفاده‌کنندگان از هر مجله می‌تواند مفید باشد زیرا وقتی که یک عنوان صرفاً توسط یک نفر مورد استفاده قرار می‌گیرد عملاً استفاده زیادی از آن صورت نمی‌گیرد و در این حالت طبیعتاً آن عنوان در مقایسه با زمانی که همان تعداد استفاده ولی از طرف ۱۰ استفاده‌کننده مختلف به عمل آمده باشد رتبه پایین‌تری را برای انتخاب کسب می‌کند.

انتخاب جاری یک روی سکه است و کنار گذاشتن شماره‌های پیشین روی دیگر سکه. عمده‌ترین دلیل کنار گذاشتن و حذف عبارت است از کمبود جا، نیاز برای ذخیره فضا و یا ایجاد فضای ذخیره‌سازی جدید، اما هزینه‌هایی هست که مربوط به نگهداری اقلام و منابع روی قفسه‌هاست و ممکن است برای استفاده‌کنندگان قفسه‌های کمتر شلوغ به ویژه در مورد کتاب‌ها مفید باشد. در مورد

انتخاب شده‌اند:

○ پیشینه‌های امانت - معمولاً این کار غیرممکن است چرا که تعداد اندکی از کتابخانه‌ها نشریات جدید را امانت می‌دهند؛ که این البته موارد استفاده در داخل کتابخانه را شامل نمی‌شود.

○ اشتباه و فراموشی استفاده‌کنندگان در علامت‌گذاری نشریاتی که مورد استفاده قرار می‌دهند یا زمانی که نشریه خاصی مورد علاقه زیاد استفاده‌کنندگان باشد ممکن است بیش از یک علامت بزنند تا میزان استفاده را بیشتر نشان دهند یا همانگونه که پیشتر گفته شد عدم اعتماد، فراموشکاری و گزارش اشتباه و غلط به راحتی می‌تواند از طرف استفاده‌کنندگانی که مایل به تداوم اشتراک عنوانی خاص هستند مورد اعتراض واقع شود ولی نمی‌توان مشخص کرد که مراجعه به یک نشریه برای تورق سریع یا مطالعه کامل مقاله‌ای از آن و یا چیزی بین این دو بوده است اگرچه می‌توان در مورد گزارش اشتباه از استفاده‌کنندگان سؤال کرد.

○ قرار دادن یک لایه نازک از صمغ در لبه هر شماره جدید، به طوری که در صورت استفاده شدن قابل تشخیص می‌شود (این کار نیاز به چک کردن دارد و اگر لازم باشد باید روزانه سه یا چهار بار این عمل تکرار شود)

اگر عمل چک کردن به اندازه کافی هم انجام شود قابل اعتماد و روا خواهد بود در غیر این صورت باز با توجه به موضوع بالا مسئله ساز خواهد بود.

○ از کاربران و استفاده‌کنندگان خواسته شود که شماره‌هایی را که استفاده می‌کنند در قفسه‌ها قرار ندهند و با بازبینی پی‌درپی و پیوسته شماره‌هایی که روی میزها رها شده است. این مورد نیز باتوجه به مسائل مذکور و باتوجه به نوع استفاده قابل اعتماد و روا نیست.

پیشینه‌های تکثیر و کپی‌برداری

به خاطر استفاده کم، از آنجایی که این گونه آمارها تنها بخشی از استفاده را نمایان می‌سازند حتی اگر پیشینه‌های تکثیری تکمیل شده باشند.

○ انبار کردن موقتی مجلات جدید یا شماره‌های جاری برای یک دوره محدود با قرار دادن نشانگرهایی در جای آنها که نشان می‌دهد آنها در صورت نیاز قابل دسترسی هستند.

بسیار روا و قابل اعتماد است؛ نوع استفاده را مشخص نمی‌کند، اما یک پیش فرض درباره مطالعه کامل مقاله وجود دارد که باید به دقت بررسی شود ولی نه برای مخالفت با آن بلکه از آن جهت که می‌توان چند مجله را در آن واحد خواند. به نظر می‌رسد که مورد اخیر از هر جهت مناسب‌تر باشد.

به هرحال باید برای روشن شدن بیشتر موضوع توضیحی اضافه شود. اینکه برای تهیه لیست رتبه‌بندی یا نحوه تعیین جایگزین‌های کاربرد آن به منظور گردآوری اطلاعات باید از چه روشی استفاده کرد، انتخاب نمی‌تواند شیوه مناسبی باشد مگر اینکه هزینه خرید با مواردی که از طریق راه دور در دسترس قرار می‌گیرند مقایسه شود خواه از

کنار گذاشتن، معیار مناسبی وجود دارد که برای کتاب‌ها نیز به اندازه مجلات، معتبر است و آن عبارت است از میزان استفاده در هر واحد از فضای اشغال شده (Line and Sandison, ۱۹۷۵)، هزینه نگهداری ممکن است براساس یک GBP در سانتی‌متر در سال محاسبه شود (این هزینه براساس بعضی از عوامل و فاکتورهای محلی مانند جا و قفسه‌بندی تغییر خواهد کرد) که می‌تواند با هزینه حذف و هزینه تهیه و دریافت آن از هر جایی که درخواست شده مقایسه شود. همانگونه که در بالا نیز ذکر شد. از آنجایی که استفاده‌ها عمری طولانی‌تر از استنادها دارند، لذا استنادها اجباراً باید با دقت زیادی به کار برده شوند، وگرنه کتابخانه باید ناآگاه باشد که از آنها استفاده می‌کند. این نیز بایستی اضافه شود که اگر عنوانی ارزش تهیه



و دریافت ندارد، جلدهای قبلی آن باید جزو اقلام حذفی قرار گیرند. هم در مورد عدم انتخاب و هم در مورد حذف، استنادها را می‌توان به عنوان جایگزین استفاده بکار برد اما نه با اطمینان کامل و نیز نه درحوزه‌های تخصصی. این کار برای کتابخانه‌هایی که دارای بودجه مشخصی هستند، یا وقتی برای گردآوری داده‌های مربوط به استفاده از مجموعه فرصتی وجود ندارد امکان‌پذیر است.

روش‌های دیگر کسب اطلاعات در مورد میزان استفاده

واقعاً نیازی به این نیست که در مورد انتخاب همه عناوین تصمیم‌گیری صورت گیرد. در اغلب کتابخانه‌های دانشگاهی ممکن است تردیدهایی در مورد حداکثر یک سوم نشریات دریافتی وجود داشته باشد و داده‌ها تنها بر پایه آنها جمع‌آوری شود. جمع‌آوری داده‌ها نیز ممکن است به وسیله یکی از روش‌های پیشنهاد شده در پیشینه‌ها باشد (بنگرید به: Poll, ۲۰۰۰, Ford, ۱۹۹۰) که از بین آنها موارد زیر

طریق مکانیسم‌های سنتی تحویل مدرک و خواه به وسیله دسترسی مستقیم و خطی (برای نمونه بنگرید به Woodward, 1998, MacDougall and) این یک راه حل مترقیانه‌ای نیست چرا که (همانگونه که در بالا آمد) نمی‌توان استفاده از مجموعه در محل را مستقیماً با استفاده راه دور مقایسه کرد. با این حال باید تلاش‌هایی صورت گیرد ولی این کار به ندرت عملی می‌شود. چندین برآورد جدید از این نوع در فصل ۹ کتاب اسپیلر^{۱۳} (۲۰۰۰) آمده است.

آینده الکترونیک

بخش عمده بحث بالا مربوط به یک کتابخانه سنتی با انواع مجلات چاپی است اما کتابخانه سنتی به تدریج به کتابخانه‌ای «نامتجانس و دورگه» با تعداد زیادی مقالات دسترس‌پذیر از راه دور با استفاده از ابزارهای الکترونیکی تبدیل می‌شود. آیا مناظره‌های بی‌فایده مبنی بر اینکه اولویت با مقالات است یا مجلات، ادامه خواهد یافت؟

همین حالا نیز اختلاف زیادی بین میزان استفاده‌هایی که از مجلات مختلف به عمل می‌آید وجود دارد همانطوری که تفاوت‌های زیادی در تعداد دفعات مراجعه به مقالات آنها وجود دارد. اغلب مجلاتی که بیشترین استفاده و استناد به آنها صورت می‌گیرد در حوزه‌های علوم، تکنولوژی و پزشکی قرار دارند، با وجود این ۹۰ درصد استفاده‌ها تنها مربوط به اقلیت ناچیزی از مقالات است (پراکندگی استفاده در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی گسترده‌تر است). این بدین معناست که کتابخانه‌هایی که بیشترین مجلات پراستفاده را تهیه می‌کنند در مقایسه با کتابخانه‌هایی که مجلات کوچکتر و ارزان‌تر را با همان تعداد (یا حتی بیشتر) تهیه می‌نمایند مواد کاغذی نامرغوب زیادی دریافت می‌کنند. برای نمونه از ۴۰۰ مقاله لیست شده در یک نشریه مربوط به فیزیک ممکن است کمتر از ۴۰ مقاله حدود ۹۰ درصد از نیازهای مراجعه‌کنندگان را برآورده سازد لذا دریافت ۳۶۰ مقاله دیگر توجیه ندارد (شاید رویه‌مرفته حداقل ۲۵۰ مقاله استفاده نمی‌شود)؛ در حالی که اگر از یک مجله تاریخی متوسط با ۵۰ مقاله، تنها ۲ مقاله مورد استفاده قرار گیرد ۳۸ مقاله بی‌ارزش دیگر از نگهداری معاف خواهند بود. اگر هزینه مجله اولی ۴۰۰۰ پوند و هزینه مجله دومی ۲۰۰ پوند باشد، ارزش مقالات هر دو مجله ۱۰۰ پوند خواهد بود، اما در مورد مجله فیزیک هزینه‌های دیگر غیر از خرید خیلی بیشتر از مجله تاریخی خواهد بود. این مشکل یعنی گرانی و کاغذ نامرغوب بایستی در حوزه الکترونیک حل شود.

نگارنده چند سال پیش ثابت کرد (Line, Mac Gregor and Sandison, 1972) که این تمرکز استفاده در بین مجلات این فرصت را به انتشار مجموعه‌ای از مقالات کلیدی‌تر می‌دهد که حداقل پنج سال از عمرشان گذشته باشد. این کار می‌توانست منافع استفاده‌کنندگان، کتابخانه‌ها (آنهايي که صرفاً توان خرید این گزیده را به جای مجموعه کامل داشته باشند. یکی از آنها را خریداری کنند و به این طریق تعداد زیادی از مجلات پیشین را که هم اکنون نگهداری می‌شوند، از مجموعه خارج سازند)، و نیز ناشرانی

که آن را می‌فروختند را تأمین کند. در اینجا می‌توان استنادها را بدون توجه به کتابخانه‌ای خاص و صرفاً براساس یک نیاز جهانی برای تعیین مقالات کلیدی مورد استفاده قرار داد. این پیشنهاد هرگز مورد پذیرش واقع نشده و حالا در عصر دسترسی به مقالات اختصاصی، این کار نامناسب به نظر می‌رسد. همچنین جای بحث دارد که مقالات کلیدی منتخب براساس انبوه اطلاعات و داده‌های استنادی بتوانند میزان استفاده در محل را نمایان سازد. هرچند این احتمال وجود دارد که مقاله‌ای که یکبار در محل مورد استفاده قرار گرفته شانس‌اش برای تقاضای دیگر پایین باشد. این قضاوت از نتایج مطالعه‌ای که در یکی از دانشگاه‌های متوسط انگلستان انجام شده بدست آمده است (Mac Dougall, Wood Ward and Wilson, 1986). این نتایج نیاز به آزمایش مجدد از طریق مطالعات مشابه در چند مؤسسه کوچک و بزرگ دارد.

در یک جهان پیوسته ۱۴ به آسانی می‌توان اغلب مقالات حوزه‌های موضوعی خاص را با استفاده از داده‌های استنادی فهرست نمود. حال این استنادها زمانی به طور بالقوه قابل استفاده خواهند بود که کتابخانه بتواند به دریافت و فراهم‌آوری این مقالات و ذخیره‌سازی محلی آنها به منظور استفاده‌های بعدی اقدام کند و این کار باعث به وجود آمدن این فرض خواهد شد که اکثر مقالات استنادی آن‌گونه که به وسیله ISI فهرست شده‌اند شباهت زیادی به مقالاتی دارند که در یک کتابخانه خاصی مورد تقاضا می‌باشند، فرض قابل تردید این است که ممکن است اغلب مجلات مورد استناد در آن کتابخانه موجود نباشند. همچنین احتمال این که ناشران اجازه دهند تا کتابخانه برای استفاده‌های بعدی آنها را ذخیره کند خیلی کم است. هرچند این کار می‌توانست کار تعیین و تشخیص مقالاتی که اغلب به جهان پهناور اختصاص دارند را تسهیل کند ولی احتمال این‌که این اطلاعات چندان قابل دسترس باشند وجود ندارد و در هر صورت مشکل مناسب محلی باقی خواهد ماند.

در هر مورد بالا، اغلب اطلاعات پیش از آنکه به صورت محلی درخواست شوند قابل دسترس نبوده‌اند (البته اگر درخواستی وجود داشته باشد) این کار برای کتابخانه خیلی مفید بود که وقتی مقالاتی واقعاً تقاضا می‌شوند برای استفاده بعدی گردآوری و ذخیره شوند، مگر اینکه چنین تقاضایی از طریق کتابخانه گردآورنده داده‌ها به چالش کشیده شود که در این صورت این کار مشکل خواهد بود ولی در هر حال اجازه ذخیره‌سازی داده‌ها برای چنین منظور و هدفی یقیناً از طرف ناشران تجاری داده نخواهد شد.

به هر حال اغلب بحث‌های موجود علیه هر کدام از این راه حل‌ها ظاهراً احتمال استفاده مجدد از آنها را کم می‌کند (بنگرید به بحث پیشین).

هرچند که ممکن است ارزش عملی نحوه تعیین مقالات پراستفاده و پراستناد قابل تردید باشد اما سود معنوی زیادی در برخواهد داشت.

اگر این کار عملی شود باید نمودارهای میزان استفاده در تمام مواقعی که مقالات درخواست شده‌اند نیز محاسبه شوند. مثلاً پس از



انتشار مقاله‌ای استفاده زیادی از آن به عمل می‌آید ولی پس از گذشت ۲ سال میزان استفاده به تدریج کم می‌شود، حال اینکه از مقاله دیگری ممکن است استفاده بیشتری در طول زمان به عمل آید. بنابراین ذخیره‌سازی دومی می‌تواند مفیدتر از اولی باشد.

نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری درباره انتخاب و خارج کردن مجلات از مجموعه بایستی کاملاً هوشمندانه صورت گیرد به هرحال راه حل‌های «آرامی» حقیقتاً در اثر عوامل زمان، تلاش و هزینه مجموعه‌سازی داده‌های در حال استفاده مردود شده است هرچند که در عمل ممکن است تلاش کمتری صورت گیرد. برای حدود $\frac{1}{3}$ از عناوین مجلات دریافت شده از طرف اغلب کتابخانه‌ها شک و تردیدها آنقدر کم است که نمی‌تواند در خصوص مجموعه‌سازی و گردآوری هیچ نوع داده‌ای معتبر باشد. برای بقیه نیز، دسترسی محدود و موقتی، روش نسبتاً ارزان و ساده‌ای برای کسب اطلاعات موردنیاز می‌باشد. از این رو چندان مشکل نیست که به هزینه داده‌ها افزوده شود. شاید بهترین راه‌حل برای عناوینی که استفاده از آنها تداوم ندارد خارج کردن آنها از مجموعه باشد. کاملاً واضح است که داده‌های استنادی جایگزین‌های سودمند و مفیدی برای داده‌های مربوط به دفعات استفاده هستند ولی نیازی نیست آنها در هر موردی به کار گرفته شود مگر در مواردی که امکان تازه‌ای برای خرید وجود داشته باشد و یا گردآوری سایر داده‌های معتبر خیلی مشکل باشد.

آیا ادامه تلاش برای جست‌وجو و یافتن جانشین‌هایی برای استفاده مفید از داده‌ها ارزشی دارد؟ به نظر نگارنده پاسخ مثبت است ولی چون شک و تردیدهایی در این باره که این تلاش و جست‌وجو بتواند پاسخ مشخصی که همیشه احتمال آن هست را به ما بدهد وجود داشته است، می‌توان به عنوان معیاری برای جست‌وجو و جویی که تاکنون صورت گرفته مطمئن بود. بنابراین به نظر نگارنده مقایسه بین لیست رتبه‌بندی مجلات به ترتیب زیر می‌تواند انجام شود:

- استنادهای دریافت شده به صورتی که در ISI ثبت شده‌اند.
- استنادهای صورت گرفته در محل کتابخانه
- استفاده‌های صورت گرفته در محل کتابخانه
- هزینه خرید
- حجم (تعداد صفحات)
- استفاده‌های انجام شده در محل کتابخانه نسبت به واحد

هزینه

- استنادهای انجام شده در محل کتابخانه نسبت به واحد هزینه
 - برآوردهای صورت گرفته از طرف اعضای هیأت علمی
 - برآوردهای صورت گرفته از طرف کارمندان کتابخانه
- نیازی به گفتن نیست که هزینه‌های به کار رفته برای هرکدام از این روش‌ها باید محاسبه شده و در مقایسه با سایر روش‌ها مبالغ اضافی مشخص شود. نگارنده تصدیق می‌کند که انجام همه این مقایسه‌ها مشکل است، اما به طور یقین می‌توان حداقل مقایسه‌هایی بین بعضی از اینها به عمل آورد. و - کی چه می‌داند - ممکن است

برآوردهای ذهنی که براساس تجربه به دست آمده به خوبی هرکدام از این روش‌ها عمل کند و قطعاً آن روش ارزان‌تر از سایر روش‌ها خواهد بود.

این روش در مورد مقاله‌ها بیشتر از مجلات سودمند و مفید خواهد بود چرا که می‌توان موارد زیر را از آن طریق مقایسه کرد:

○ مجموعه استفاده‌ها (برای نمونه در دسترس) را با مجموع استنادها

- مجموع استنادها را با استفاده انجام شده در محل کتابخانه
- مجموع استفاده‌ها را با استفاده انجام شده در محل کتابخانه
- استنادهای انجام شده در محل کتابخانه با استفاده‌های به عمل آمده در محل کتابخانه

نهایتاً نگارنده می‌خواهد نقد و بررسی‌های بیشتری مربوط به کتاب - تعداد، ماهیت و استحکام پیشنهادات - را در مقایسه با میزان استفاده از کتاب‌های کتابخانه‌ها مورد توجه قرار دهد. ممکن است فرد انتظار داشته باشد بررسی‌های مفیدی از تأثیر استفاده یک ساله یا بیشتر به عمل آید، اما این تأثیر به تدریج کم رنگ‌تر می‌شود.

احتمال دارد که بحث و جدل‌های انجام شده درباره برخی از مسائل بالا به مدت دو یا سه دهه ادامه یابد حال آنکه پژوهش و جست‌وجو می‌تواند به یافتن پاسخ آنها کمک کند. مثل همیشه، آمارها برای هر سؤالی به ندرت پاسخ‌های قطعی ارائه می‌دهند، اما می‌توانند دامنه یا یقینی را، هرچند به طور جزئی و کم، در بیشتر موارد کاهش دهند.

پی‌نوشت‌ها:

1. The Use of Citation and Their Statistics in Stock Management. IFLA JOURNAL, 27,(2001)
2. Maurice B.Line
۳. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی
۴. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
5. andria Alex .
6. Herriot Watt and Southampton Universities
7. Burdick, 1989
8. self-mediated
9. Gratfield
10. Bensman(2001)
11. scales
12. Pan, 1978
13. Broadus, 1985a
14. Kreider (1999)
15. Bensman and Wilder (1998)
16. Spiller (2000)
17. an online world